

# بخش مقالات

- حقوق بشر و حقوق بشردوستانه
- تاملاتی پیرامون نظارت مالی بر دستگاه های دولتی در ایران
- شورای قانون اساسی فرانسه و نظارت بر انتخاب ریاست جمهوری و همه پرسی
- بررسی نظام حقوقی لبنان
- قانون اساسی و بار اثبات در امور کیفری
- مصلحت و جایگاه آن در حکومت اسلامی
- حقوق اساسی در دوران مطلق گرایی
- قانون جدید دیوان عدالت اداری در بوته نقد
- دولت، والدین و تعلیم و تربیت: تحلیل فلسفی-حقوقی حق بر تعلیم و تربیت
- نسبت دموکراسی و احترام به قانون: پژوهشی در مبانی فلسفی احترام به قانون
- مفهوم عدالت کیفری از نظر قاضی
- مهار قدرت و تحول آن در حقوق اداری
- بررسی و تحلیل مبانی نظری عدالت اجتماعی (حقوق اقتصادی و اجتماعی یا حقوق رفاهی) و دولت رفاه در پرتو نظریه عدالت جان رولز



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه

کتاب دکتر مسعود البرزی ورکی\*

چکیده: حقوق بشر، به عنوان مجموعه‌ای از حقوق و آزادیها، متضمن موارد استحقاق ذاتی هر فرد به صرف انسان بودن وی بوده در کلیه زمانها، اعم از صلح و جنگه قابل اجراء می‌باشد. حقوق بشردوستانه، به عنوان یک حقوق اضطراری قابل اجراء در مختاصات مسلحانه، در بردارنده قواعد و مقرراتی است که به منظور حل مسائل بشردوستانه‌ای که از چنین وضعیت‌هایی ناشی می‌شوند بوجود آمده، ضمن محدود ساختن حق طرفین مختاصه در انتخاب روش‌ها و وسایل صدمه زدن به دشمن، بر آن است تا از قربانیان جنگ، رزمندگان از کار افتاده و کسانی که اصولاً در جنگ حضور و یا مشارکت ندارند حمایت به عمل آورد. این دو شاخه حقوقی از جهات مختلف با هم تفاوت داشته، علاوه بر منشاء شکل‌گیری و منابع متفاوت، سیر تحول تاریخی و توسعه آنها کاملاً جدا از هم رقم خورده است. ولی از جهات مهم دیگری همچون حمایت از انسان و حق حیات وی، احترام به تمامیت انسانی، حق تمامیت جسمانی و معنوی، حق برخورداری از برخی تضمینات قضایی در صورت اقلیمات جزایی، حق رفتار انسانی در صورت مجرمیت از آزادی و یا بازداشت وی، بالاخره، اجرای بدون تمیض این حقوق و حمایت‌ها وجوه مشترک زیادی بین آنها وجود دارد؛ ضمن آنکه معاهدات و اسناد دهه‌های اخیر متضمن مقرراتی از هر دو مجموعه حقوقی می‌باشند.

واژه های کلیدی: حقوق بشر، حقوق بشردوستانه، مقایسه دو حقوق، تأثیر متقابل دو حقوق

### ۱. مقدمه

در دنیای معاصر، حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه، بواسطه حمایت از فرد و تضمین احترام نسبت به شأن و منزلت انسانی وی، از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. هر دو متضمن قواعد و مقرراتی راجع به چگونگی رفتار با بشر و حمایت از وی، بر اساس ملاحظات انسانی، می‌باشند. اما، علیرغم این هدف و دغدغه مشترک، خاستگاه، تاریخ تحول و حتی، تا حدود زیادی، قلمرو و محتوای قواعد آنها متفاوت از هم است؛ هر چند پیامدهای ناگوار جنگ دوم جهانی نقش به‌سزایی در تقارب این دو رشته حقوق بین‌الملل عمومی و، در عین حال، توسعه آنها داشته است.<sup>۱</sup>

در حالی که تردیدی در رابطه با حقوق بشر دوستانه، از بدو پیدایش آن، به عنوان یکی از شعب حقوق بین‌الملل وجود نداشته است، در رابطه با حقوق بشر وضع به گونه‌ای دیگر بوده است. چون نظریه مورد قبول در طی چندین قرن متمادی این بود که حقوق بین‌الملل منحصرأ حقوق حاکم بر روابط دولتها می‌باشد، امکان

\*- استاد یار دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره).

1- For more details see Robertson, A.H., "Humanitarian law and human rights", in C. Swinarski (ed.), Studies and Essays on International Humanitarian Law and Red Cross Principles in honour of Jean Pictet, Geneva, International Committee of the Red Cross/ Martinus Nijhoff Publishers, 1984, at 793- 802.

شناسایی حقوق بشر، که به افراد مربوط می‌گردد، توسط حقوق بین‌الملل وجود ندارد.<sup>۲</sup> اینها صرف‌نظر از شناسایی تدریجی افراد در قرن بیستم، به عنوان یکی از تابعان حقوق بین‌الملل<sup>۳</sup>، حقوق بشر دوستانه بین‌المللی به «لور روز» افزون به عنوان بخشی از حقوق بشر تلقی می‌گردد که در مخاصمات مسلحانه اجراء می‌شود. نقطه آغازین این گرایش به کنفرانس بین‌المللی راجع به حقوق بشر که در سال ۱۹۶۸ در تهران برگزار شد<sup>۴</sup>، می‌گردد.

گراینده قواعد و مقررات مربوط به حقوق بشر در عرصه بین‌المللی، از طرفی، و التفات هر چه بیشتر به ارتباط حقوق بشر دوستانه با حمایت از فرد در مخاصمات مسلحانه، از طرف دیگر، این واقعیت را آشکار می‌سازد که مطالعه قواعد و مقررات مربوط به حقوق بشر "Human Rights Law" بدون بررسی حقوق بشر دوستانه بین‌المللی کامل نخواهد بود و این کاستی، با توجه به اینکه ارکان و اجزاء اساسی حقوق بشر دوستانه بین‌المللی همچون رشته‌ای طلایی در اسناد متعدد حقوق بین‌الملل بشر ریشه دوانیده، ربط و بسط و ارتباط تنگاتنگ بین آنها را اجتناب ناپذیر ساخته است، نمود بیشتری خواهد داشت. در نتیجه، می‌توان گفت که مقررات این دو شاخه حقوقی مکمل یکدیگر بوده، هر یک برآند تا، هر چند از زاویه‌ای متفاوت، از حیات، سلامت و شأن انسانی افراد حمایت به عمل آورند.

گرچه پیشینه توجه و اهتمام نسبی نسبت به حقوق بشر و مسائل و موضوعات مربوط به آن و نیز آشنایی با قواعد و مقررات این رشته حقوقی، در ایران، به چند دهه قبل بر می‌گردد، حقوق بشر دوستانه، علیرغم قدمت بسیار طولانی‌تر خویش، تا حدود زیادی در کشور ما ناشناخته مانده، با وجود آثار محدود عرضه شده در چند سال اخیر و مطالعات محدود و پراکنده‌ای که در این مورد صورت پذیرفته است<sup>۵</sup>، همچنان در مراحل اولیه طرح و تبیین مباحث و موضوعات آن بسر می‌بریم. مضافاً اینکه، سابقه تحقیق و مطالعه چندانی<sup>۶</sup> از حاصد این شاخه در خصوص رابطه بین حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه در دست نمی‌باشد.

مقاله حاضر برآن است تا، در حد توان و امکان، علاوه بر تعریف حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه، فلسفه و اصول کلی این دو شاخه حقوقی را در پرتو خاستگاهها، تاریخ تحول و منابع متفاوت آنها مورد بررسی قرار داده، به

2- Henkin, L., "Human Rights", in *Encyclopedia of Public International Law*, edited by R. Bernhardt, Amsterdam, North Holland Publishing Company, 1985, vol.8, at 268.

3- See Partsch, K.J., "Individuals in International Law", in Bernhardt (ed.), *Op.cit.*, at 316-321.

4- Human Rights in Armed Conflicts, Resolution XXIII adopted by the International Conference on Human Rights, Tehran, 12 May 1968, reprinted in Schindler, D. & Toman, J. (eds.), *The Laws of Armed Conflicts: A Collection of Conventions, Resolutions and other Documents*, Dordrecht, Martinus Nijhoff Publishers, 1973, at 189.

۵ - در این میان باید از اثر تحقیقی زیر نام برد: دکتر سید مصطفی محقق اماماد، حقوق بشردوستانه بین‌المللی «رهیافت اسلامی». تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۳.

۶- تنها در مقاله زیر خلاصه‌ای از رابطه دو حقوق مورد بررسی قرار گرفته است: ضیایی بیگدلی، محمد رضا، حقوق بشر دوستانه و حقوق بین‌الملل بشر، در: بررسی تحولات اخیر حقوق بشردوستانه بین‌المللی، مجموعه مقالات نخستین همایش حقوق بشردوستانه بین‌المللی، تهران، دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه، ۱۳۸۱، صص ۸۰-۸۸.

7- Universal Declaration of Human Rights, adopted by GA Res.217A(III) of 10 Dec.1948.

برای متن فارسی اعلامیه رک: ناصر زاده، هوشنگ، اعلامیه‌های حقوق بشر، تهران، موسسه انتشارات جهاددانشگاهی (ماجد)، ۱۳۷۳، ص ۱۲.

مطالعه پیرامون موارد انطباق و نیز اختلاف آنها در ابعاد اساسی متعدد بپردازد؛ ضمن آنکه ارزیابی تأثیر متقابل آن دو از دیگر اهداف این تحقیق را تشکیل می‌دهد.

## ۲. تعریف

### ۱. ۲. حقوق بشر

اعلامیه جهانی حقوق بشر<sup>۷</sup>، به عنوان اولین سند بین‌المللی راجع به حقوق بشر که آن را با نام ذکر می‌نماید، بدون ارائه تعریفی توضیحی، متضمن مصادیق بسیار زیادی از این حقوق می‌باشد که تحت عنوان حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی طبقه‌بندی گردیده است. اما سازمان ملل متحد آن را اینگونه تعریف نموده است:

”حقوق بشر بطور کلی به عنوان حقوقی قابل تعریف می‌باشند که از ذات ما جدا شذنی نبوده و بدون آن ما نمی‌توانیم به عنوان انسان زندگی نمایم.

حقوق بشر و آزادیهای اساسی این امکان را برای ما فراهم می‌سازند تا صفات انسانی‌مان، عقلمان، استعدادمان و وجدانمان را بطور کامل پرورش داده و بکار بریم و نیازهای روحی و دیگر نیازهایمان را برآورده سازیم. آنها مبتنی بر خواسته روز افزون بشر برای یک زندگی است که در آن شأن ذاتی و ارزش هر انسانی از احترام و حمایت برخوردار باشد.“<sup>۸</sup>

در ادامه این تعریف آمده است:

”انکار حقوق بشر و آزادی‌های اساسی نه تنها یک تراژدی فردی و شخصی است، بلکه موجب اوضاع ناآرام اجتماعی و سیاسی می‌گردد و تخم خشونت و تخاصم را در درون اجتماعات و ملت‌ها و در بین آنها می‌کارد. همانطور که جمله نخست اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان می‌نماید ‘احترام به حقوق بشر و شأن انسانی’ زیر بنای آزادی، عدالت و صلح در جهان می‌باشد.“<sup>۹</sup>

به این ترتیب، می‌توان گفت ”حقوق بشر عبارت می‌باشند از آزادیها، مصونیتها و مزایایی که بر طبق ارزش‌های پذیرفته شده معاصر، کلیه انسانها باید بتوانند‘ به عنوان حقی‘ از اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند ادعا نمایند.“<sup>۱۰</sup> این حقوق متضمن موارد استحقاق ذاتی هر فرد به صرف انسان بودن وی می‌باشد.

### ۲. ۲. حقوق بشر دوستانه

اصطلاح ”حقوق بشردوستانه“ دارای منشاء نسبتاً جدیدی است. کنوانسیونهای ژنو ۱۹۴۹ فقط ”فعالیت‌های بشردوستانه“ و ”سازمان بشردوستانه“ را ذکر می‌نمایند.<sup>۱۱</sup> گرچه گفته می‌شود که استفاده از اصطلاح حقوق

8- United Nations, Human Rights: Questions and Answers, 1987, at 4.

9- Ibid.

10- Henkin, Op.cit., note 2.

11- Art. 9/ 9/ 9/10 common to the Geneva Conventions: Geneva Convention for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in Armed Forces in the Field, 12 August 1949 [Convention I], Geneva Convention for the Amelioration of the Condition of.

بشردوستانه از اوایل دهه ۱۹۵۰ توسط متخصصین حقوق بین‌الملل عمومی آغاز گردید.<sup>۱۲</sup> اولین کاربرد این اصطلاح به جین پیکنت نسبت داده است.<sup>۱۳</sup> وی حقوق بشردوستانه بین‌المللی را، در مفهوم وسیع آن، شامل دو شاخه می‌داند: حقوق جنگ و حقوق بشر. طبق تقسیم‌بندی وی، حقوق جنگ در دو معنا به کار می‌رود، یکی وسیع و دیگری محدود، که مفهوم وسیع آن خود به دو شعبه تقسیم می‌شود: حقوق لاهه و حقوق ژنو. در حالی که حقوق لاهه حقوق و وظایف متخاصمین را در رفتار عملیاتی تعیین می‌کند و انتخاب طرق صدمه رساندن به دشمن را محدود می‌سازد، حقوق ژنو یا حقوق بشردوستانه، در مفهوم دقیق کلمه، بر آن است تا از افراد نظامی که به هر دلیلی دیگر قادر به جنگ نمی‌باشند و نیز کسانی که در جنگ شرکت ندارند حمایت به عمل آورد.<sup>۱۴</sup>

گرچه کنوانسیون وین ۱۹۶۹ راجع به حقوق معاهدات اصطلاح "معاهدات دارای جنبه بشردوستانه"<sup>۱۵</sup> را به کار می‌برد، که ظاهراً هم حقوق بشر و هم حقوق بشردوستانه را شامل می‌شود<sup>۱۶</sup>، مع الوصف، ابتکار پیکنت در خلق مفهومی از حقوق بشردوستانه که هم حقوق جنگ و هم حقوق بشر را در بر گیرد با اقبال چندانی صاحب‌نظران مواجه نگردید. این در حالی بود که اصطلاح جدید "حقوق بشر در مخاصمه مسلحانه" که در سال ۱۹۶۸، توسط کنفرانس بین‌المللی راجع به حقوق بشر در تهران، معرفی گردید<sup>۱۷</sup>، و هم حقوق راجع به قربانیان مخاصمات مسلحانه و هم قواعد مربوط به رفتار عملیاتی را - بدون تمایز بین قواعدی که بطور خاص دارای جنبه بشردوستانه می‌باشند و قواعد دیگر- شامل می‌گردید، نیز در ابتدا مورد قبول عمومی محققین واقع نشد.

اصطلاح حقوق بشردوستانه، در مفهوم خاص، نه تنها حقوق بشر را شامل نمی‌شود، بلکه با مفهوم حقوق جنگ بر طبق دیدگاه سنتی نیز منطبق نبوده کلیه قواعد و موضوعات آن را پوشش نمی‌دهد. زیرا حقوق جنگ مشتمل بر دو سری قواعد می‌باشد، قواعد رفتاری در جنگ "*ius in bello*" و قواعد مربوط به حق توسل به جنگ "*ius ad bellum*" ، و اصطلاح حقوق بشردوستانه محدود به قواعد دسته نخست است. حتی در این دسته از قواعد نیز باید بین قواعد بشردوستانه واقعی، که به حقوق ژنو "*Geneva Law*" موسوم است، و آن

← Wounded, Sick and Shipwrecked Members of Armed Forces at Sea, 12 August 1949 [Convention II]; Geneva Convention Relative to the Treatment of Prisoners of War, 12 August 1949 [Convention III]; Geneva Convention Relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War, 12 August 1949 [Convention IV]. The text of these instruments is reprinted in Schindler & Toman (eds.), supra note 4, at 323.

12- K.H. Partsch, "Humanitarian Law and Armed Conflict", in Encyclopedia of Public International Law, edited by R. Bernhardt, North Holland Publishing Company, Amsterdam, 1982, vol.3, at 216.

13- K.H. Partsch, "Human Rights and Humanitarian Law", in Bernhardt (ed.), Op.cit., note 2, at 292.

14- J. Pictet, The Principles of International Humanitarian Law, International Committee of the Red Cross, Geneva, at 10-11

15- Vienna Convention on the Law of Treaties, 1969, Art. 60 (5). The text of the Convention is reprinted in 63 Am. J. Int'l L. 875 (1969).

16- Partsch, Op.cit. note 13.

17- Op.cit., note 4.

سری از قواعدی که بطور خاص دارای جنبه بشردوستانه نمی‌باشند، همچون قواعد مربوط به جنگ در صحنه نبرد، که به حقوق لاهه "*Hague Law*" معروف است، قائل به تمایز گردید.<sup>۱۸</sup>

به این ترتیب، منظور از اصطلاح حقوق بشر دوستانه در مقاله حاضر عبارت می‌باشد از: قواعد حقوق بین‌الملل که به موجب معاهده یا عرف برقرار شده و مشخصاً برآند تا مسائل بشردوستانه‌ای را که مستقیماً از مخاصمات مسلحانه بین‌المللی یا غیر بین‌المللی ناشی می‌شوند حل نمایند و، بنا به ملاحظات بشردوستانه، از افرادی که از مخاصمه تأثیر می‌پذیرند و یا ممکن است متأثر گردند حمایت می‌نمایند.<sup>۱۹</sup>

### ۳. سیر تحول تاریخی

#### ۳.۱. حقوق بشر

به مدت سه قرن، از زمان شکل‌گیری جامعه بین‌المللی جدید به عنوان اجتماعی از دولت‌های حاکم در قرون شانزده و هفده میلادی، روابط بین‌المللی روابط بین دولتی تلقی می‌گردید<sup>۲۰</sup> و حقوق بین‌الملل فقط بر دولت‌ها الزامی بوده دولت به عنوان موضوع اصلی، اگر نه انحصاری، حقوق بین‌الملل محسوب می‌شد.<sup>۲۱</sup> چون عقیده حاکم این بود که افراد موضوع حقوق بین‌الملل نمی‌باشند، در نتیجه، حقوق بین‌الملل نه تعهدات و مسئولیت‌هایی را بر آنها تحمیل می‌کرد، نه حقوق و امتیازاتی را به آنها اعطاء می‌نمود و نه امکان دادخواهی و جبران خسارت برای آنها در این حقوق وجود داشت. بر این اساس، ادعاهای افراد علیه دولت‌های خود و یا چگونگی رفتار یک دولت با شهروندانش، بطور کلی، هیچ ارتباطی به حقوق بین‌الملل نداشت. اما چنین مفهومی از حقوق ملل، ناسازگار با واقعیت‌ها و الزامات جامعه بین‌المللی، نمی‌توانست برای همیشه دوام پیدا کند.

گرچه حقوق بشر بین‌المللی بعد از جنگ جهانی اول گامهای کوچک ولی مهمی به جلو داشته است، رشد و پیشرفت آن عمدتاً در پرتو تحولات پس از جنگ جهانی دوم رقم خورده است؛ ضمن آنکه مفهوم حقوق بشر در تاریخ اروپا دارای سرچشمه و منبع قدیمی‌تری بوده، تحت نامهای مختلف، از قرن‌ها پیش، به شکلی مطرح بوده است. در این مبحث، این سیر تاریخی را تا جنگ دوم جهانی به اجمال مورد بررسی قرار می‌دهیم.

در اوایل قرن سیزدهم، پادشاه انگلیس، کینگ جان، مجبور شد تا با امضاء ماگنا کارتا یا منشور بزرگ تعدادی حقوق را، که بعدها تحت عنوان حقوق بشر نامیده شد، به شهروندانش اعطاء نماید.<sup>۲۲</sup> دادخواهی حقوق ۱۶۲۸<sup>۲۳</sup>.

18- See H. McCoubrey & N.D. White, *International Law and Armed Conflict*, Dartmouth, Aldershot, 1992, at 189 et seq.

19- See H.P. Gasser. "International Humanitarian Law: An Introduction, Separate print from Hans Haug, *Humanity for all*, Henry Dunant Institute, Haupt, 1993. at 16.

20- Woetzel, R.K., *The Nuremberg Trials in International Law*, London, Stevens & Sons Limited, 1960, at 97.

21- Tornaritis, C. G., "Individual and Collective Responsibility in International Criminal Law [Section 1]: The Individual as a Subject of International Law and International Criminal Responsibility", in *A Treatise on International Criminal Law: Crimes and Punishment*, edited by M. C. Bassiouni & V. P. Nanda, Springfield, Charles C. Thomas, 1973, vol 1, at 104.

22- For more details see under the entry of "Magna Carta" in Walker, D. M., *The Oxford Companion to Law*, Oxford, Clarendon Press, 1980.

لایحه قانونی راجع به قرار احضار زندانی، ۱۶۷۹<sup>۲۲</sup> و لایحه حقوق ۱۶۸۹<sup>۲۳</sup> از اسناد تاریخی دیگر در این خصوص در انگلیس می‌باشد.

در قرون هفده و هجده میلادی در اروپا فیلسوفان بزرگی چون گروسوس، واتل و لاک مفهوم حقوق طبیعی، یا حقوق متعلق به یک شخص به طور ذاتی و بواسطه انسان بودن وی، و نه بواسطه شهروند کشور خاص و یا عضو یک گروه مذهبی یا قومی بودن، را مطرح کردند. تساوی افراد بشر در خلقت و اعطای برخی حقوق غیرقابل انتقال، همچون حق زندگی، آزادی و طلب خوشبختی، توسط خالق صراحتاً در لایحه حقوق ویرجینیا، ۱۷۷۶<sup>۲۴</sup>، و اعلامیه استقلال آمریکا، ۱۷۷۶<sup>۲۵</sup>، انعکاس دارد. اعلامیه حقوق فرد و شهروند ۱۷۸۹<sup>۲۸</sup> فرانسه نیز متضمن چنین مفاهیمی است.<sup>۲۹</sup>

مألاً حقوق طبیعی با عدم اقبال مواجه و مفهوم حقوق جهانی ریشه گرفت و فلاسفه معروفی چون توماس پن، جان استوارت میل و هنری دیوید تو، بوی به شرح و بسط آن پرداختند. گفته می‌شود دانشمند اخیر نخستین فیلسوفی است که اصطلاح "حقوق بشر" را به کار برد. آن را در رساله‌اش، نافرمانی مدنی، که در ۱۸۹۴ منتشر گردید، مورد استفاده قرار داد. این اثر تأثیر بسزایی در بزرگانی همچون لئوتولستوی و، بویژه، ماهاتما گاندی و مارتین لوتر کینگ، که اعتقاد و عملشان مقاومت مبتنی بر عدم خشونت در مقابل اقدامات غیراخلاقی و نادرست حکومت بود، داشته است.<sup>۳۰</sup>

گنجاندن برخی تعهدات ناظر به حقوق بشر در معاهدات منعقدۀ در این دوران - همچون معاهداتی که به موجب آنها دولت‌ها متعهد می‌گردیدند تا اسکان پرستش مذهبی بدعت‌آمیز را بدهند یا برخی حقوق مدنی اساسی را به دگراندیشان مذهبی اعطاء نمایند و با مقرراتی که به ایجاد دولت غیردینی و حقوق بین‌الملل جدید کمک می‌کردند - و نیز توسعه یک معیار بین‌المللی راجع به رفتار مبتنی بر عدالت با بیگانگان، قابل مقایسه با رفتاری که حقوق بین‌الملل بعدها به عنوان حقوق همه انسانها مورد شناسایی قرار داد<sup>۳۱</sup>، از جمله تحولات تاریخی دیگر قواعد و مقررات مربوط به حقوق بشر می‌باشد.

23- Petition of Rights.

24- Habeas Corpus Act.

25- Bill of Rights.

26- Virginia Bill of Rights.

27- U.S. Declaration of Independence.

28- Declaration of the Rights of Man and of the Citizen.

29- See Henkin, Op.cit., at 268- 269; Kolb, R., "The relationship between international humanitarian law and human rights law: A brief history of the 1948 Universal Declaration of Human Rights and the 1949 Geneva Conventions", International Review of the Red Cross, No. 324, May - June 1998- [www.icrc.org/Web/Eng/siteengO.nsf/htmlall](http://www.icrc.org/Web/Eng/siteengO.nsf/htmlall), at 1.

30- Human Rights Web, "A Short History of the Human Rights Movement: Early Political, Religious and Philosophical Sources", Last edited on January 25, 1997- [http:// www. hrweb. org/ history. html](http://www.hrweb.org/history.html), at 1.

31- Henkin, Op.cit. , at 269.



الغاء برده ناری و تجارت برده در قرن نوزدهم میلادی به صورت یک قاعده عرفی در آمد و بعدها در معاهدات جهان شامل متعددی تدوین گردید.<sup>۳۲</sup> کاهش مصائب جنگ و حمایت از اسرای جنگی و غیرنظامیان در طول جنگ، در قالب اسناد و کنوانسیونهای بین‌المللی متعددی، از جمله تلاشهای قابل توجه دیگر در توسعه و تکامل حقوق بشر می‌باشند.<sup>۳۳</sup>

به منظور برطرف ساختن موجبات بالقوه اختلافات بین‌المللی، از طریق اعطاء و به رسمیت شناختن یک سری حقوق و امتیازات برای اقلیت‌ها، بعد از جنگ جهانی اول از برخی دولت‌ها، که دارای اقلیت‌های قومی، نژادی، زبانی، مذهبی و یا اقلیت‌های دیگر در بین سکنه خویش بودند، درخواست شد تا تعهداتی را، بویژه در معاهدات موسوم به معاهدات اقلیت‌ها<sup>۳۴</sup> که توسط جامعه ملل تضمین می‌شد، برعهده گیرند.

میثاق جامعه ملل<sup>۳۵</sup>، که به موجب معاهده ورسای<sup>۳۶</sup> و به عنوان جزء لاینفکی از آن بعد از جنگ جهانی اولی به تصویب رسید، تضمین مقررات محدودی در رابطه با حقوق بشر می‌باشد. لزوم ادارهٔ سرزمین‌های تحت سیستم سرپرستی به گونه‌ای که رفاه و پیشرفت مردمان آنها، به عنوان رسالت مقدس عدلیت، تضمین گردد؛ تضمین آزادی وجدان و مذهب توسط کشورهای قیم؛ منع عادات مذموم برده فروشی؛ تعهد اعضای جامعه به تلاش در برقراری و پدیدار سازی شرایط منصفانه و انسانی برای کار مردان، زنان و اطفال در کشورهای خود و کشورهای دیگر؛ با آنها روابط تجاری و صنعتی دارند؛ تعهد آنها به رفتار عادلانه با ساکنان بومی سرزمین‌های تحت کنترل خود و نظارت کلی اعضاء بر اجرای موافقت‌نامه‌های مربوط به خرید و فروش زنان و اطفال مجموعه قواعد میثاق را در این خصوص تشکیل می‌دهد.<sup>۳۷</sup>

شاید بتوان مهمترین تحول در این راستا را اقدام سازمان بین‌المللی کار، همزاد جامعه ملل، در تصویب تدریجی شمار بسیار زیادی کنوانسیون حاوی استانداردهای اقلی راجع به کار و انواع مختلف شرایط اجتماعی دیگر دانست.<sup>۳۸</sup>

### ۲.۳. حقوق بشر دوستانه

دانشتیم حقوق بشر دوستانه با موضوعاتی همچون استفاده از سلاح‌ها و ابزارهای جنگی در نبرد و رفتار دشمن یا قربانیان، جنگ، یعنی اثر مستقیم جنگ بر زندگی، تمامیت فردی و آزادی انسان، سر و کار دارد. یافتن و

32- Ibid.

33- See Reisman, W.M., & Antoniou, C.T. (eds.), *The Laws of War: A Comprehensive Collection of Primary Documents on International Laws Governing Armed Conflict*, New York, Vintage Books, 1994.

34- See Capotorti, F., "Minorities", in Bernhardt (ed.), *Op.cit.*, at 386- 387.

35-The Covenant of the League of Nations- <http://www.yale.edu/lawweb/avalon/league.htm>

برای متن فارسی میثاق رکت: اف. بی. والترز، تاریخ جامعه ملل، ترجمه فریدون زندفره، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲، صص ۵۴۷ - ۵۵۶.

36- Treaty of Peace with Germany (Treaty of Versailles), 28 June 1919, reprinted in *Am. J. Int'l L. (Supp. 1919)*, vol. 13, at 151.

37- See The Covenant of the League of Nations, *Op.cit.note35*, Arts. 22-23.

۳۸- از تاسیس سازمان بین‌المللی کار تاکنون متجاوز از ۱۸۰ کنوانسیون از تصویب این سازمان گذشته است؛ دکتر سید عزت‌الله عراقی، حقوق کار (۱)، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۸۳، ص ۹۷.

ارائه دلایل و شواهد مستندی راجع به اینکه اولین قواعد حقوقی دارای ماهیت بشردوستانه در چه زمانی و در کجا شکل گرفته است و، بویژه، اینکه بنیانگذار حقوق بشردوستانه بین‌المللی چه کسی است دشوار می‌باشد. پرفسور محمد شریف باسیوبی، استاد پرآوازه مصری الاصل مسلمان دانشگاه دی پول آمریکا، رویداد مهمی را ذکر می‌کند که در آن قتل‌عام فرستادگان ایران توسط آتنی‌ها و اسپارتنی‌ها در زمان خشایار شاه تجاوز به حقوق انسانها، به عنوان حقوق نوع بشر در کل، و نه حقوقی که صرفاً مخصوص بربرها باشد، قلمداد گردیده است و پادشاه هخامنشی چنین حقوق عامی را مورد شناسایی قرار داده و بدان تسلیم می‌گردد آنگاه که، در مقابل پیشنهادهایی که به او صورت می‌پذیرد که وی باید به اقدام تلافی‌جویانه مشابه دست زند، چنین پاسخ می‌دهد: "او همانند لس دومینین‌ها<sup>۳۳</sup> نمی‌باشد، زیرا آنها با کشتن فرستادگانش، حقوق ملل را نقض کرده‌اند و اینکه او انجام نخواهد داد خود آن چیزی را که آنها را از آن جهت مذمت می‌کرد"<sup>۳۴</sup>.

فارغ از اینکه بتوان شاه هخامنش را پایه‌گذار و یا از بنیانگذاران حقوق بشردوستانه تلقی نمود یا نه، آنچه مسلم است اینکه معمولاً در هر جایی که رویارویی بین قبایل، طوایف، بیروان یک رهبر و یا دیگر حکمرانان به ترک تخاصم و درگیری منجر نمی‌گردید، بتدریج قواعدی، اغلب بطور ناخودآگاه، شکل می‌گرفت که هدف آنها کاستن از آثار ناگوار خشونت بود. چنین قواعدی، که صور ابتدایی حقوق بشردوستانه معاصر را تشکیل می‌دهند و در بسیاری از فرهنگ‌ها یافت می‌شوند، معمولاً در کتب مذهبی همچون انجیل و قرآن، آثار ادبی مهم راجع به فرهنگ، همچون مهابرات<sup>۳۵</sup> حماسی هند و یا در قواعد مربوط به هنر جنگ، همچون قواعد مانو<sup>۳۶</sup> و یا بوشید و<sup>۳۷</sup> (کد رفتاری در ژاپن) بیان شده‌اند. در اروپای قرون وسطی نیز شواهدی با قواعد دقیق و سختگیرانه‌ای را در رابطه با جنگ، بویژه به منظور تقویت موقعیت خویش، وضع نمودند.<sup>۳۸</sup>

بطور خلاصه، می‌توان گفت که در بسیاری از فرهنگ‌ها محدودیت‌هایی بر اقدامات دشمن در جنگ مقرر می‌گردید که عمدتاً ریشه در ارزش‌های مذهبی داشته و یا مرهون نقش فرمانروایان مقتدر، عقلای قوم و یا فرماندهان نظامی بود. اینگونه محدودسازی‌ها، که در قالب قواعد معمولاً الزامی صورت می‌پذیرفت، به منظور کاستن از پیامدهای ناگوار جنگ از دوران باستان در جوامع مختلف به شکلی وجود داشته است.

اما موفقیت‌های قرن نوزده اروپا در زمینه حقوق بشردوستانه نه تنها ریشه‌ای در این پیشینه تاریخی غنی ندارد بلکه در مقابل آن شکل گرفته است؛ به طوری که به جرأت می‌توان حقوق بشردوستانه معاصر را مستقیماً مرهون تلاش‌های دو تن دانست که تاریخ زندگی هر دو آنان با تجربه تلخ جنگ همراه بوده است: هنری دونان و فرانسویس لیبر. این دو تقریباً در یک زمان، اما ظاهراً بدون اطلاع از وجود یکدیگر، اساسی‌ترین نقش را در رابطه با مفهوم و محتوای حقوق بشردوستانه ایفاء نموده‌اند. البته ذکر این واقعیت که این دو چهره بزرگ مبدع حمایت از قربانیان

39- Lacedaemonians

40- See McCormack, T.L.H., "From Sun Tzu to Sixth Committee: The Evolution of an International Criminal Law Regime", in *The Law of War Crimes: National and International Approaches*, edited by T.L. H.McCormack & G.J.Simpson, The Hague, Kluwer Law International, , 1997, at 33.

41- Mahabharata.

42- Manu.

43- Bushido.

44- Gasser, Op.cit. note 19, at 6-7.

جنگ نبوده، بلکه این نظر و اندیشه بسیار قدیمی را در شکلی منطبق با مقتضیات زمان طرح و بیان کرده‌اند هرگز از جایگاه رفیع و نقش تعیین کننده آنان نمی‌کاهد.

بنیان فکری تجدید حیات حقوق بشر دوستانه در قرن نوزدهم توسط هنری دونان، تاجرو انسان دوست معروف سوئسی، نهاده شد که در نبرد سولفرینو بین فرانسه، ایتالیا و اطریش (سال ۱۸۵۹) بنا به دلایلی بی ارتباط با جنگ حضور دارد و از فقدان هر نوع کمک به مجروحان جنگی و افراد در حال مرگ و حمله به افراد و اماکن غیرنظامی و ... به شدت متأثر می‌گردد. وی این تجربیات تلخ را در کتابی تحت عنوان "یادی از سولفرینو"<sup>۴۵</sup>، که در ۱۸۶۲ منتشر گردید، منعکس ساخته و در آن دو راه حل ضروری را برای اقدام عملی مستقیم در خصوص مورد پیشنهاد می‌نماید: ایجاد یک سازمان امدادی در هر کشوری در زمان صلح به منظور کمک به مجروحان جنگی و کادر پزشکی و درمانی در زمان جنگ و انعقاد یک موافقت‌نامه بین‌المللی به منظور تسهیل کمک به این جوامع ملی و تضمین رفتار بهتر با مجروحان، پیشنهاد نخست به تأسیس صلیب سرخ در ۱۸۶۳ و آنگاه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ<sup>۴۶</sup> و راه حل دوم به وضع کنواسیون ۱۸۶۴ ژنو راجع به بهبود وضعیت مجروحان ارتش‌ها در مأموریت جنگی<sup>۴۷</sup> منجر گردید.

دومین چهره شاخصی که در شکل‌گیری حقوق بشردوستانه بین‌المللی معاصر نقش اساسی ایفاء نموده است فرانسس لیبر، استاد حقوق پناهندگان و وکیل آلمانی تبار می‌باشد. وی در سال ۱۸۶۳ یک سری دستورالعمل‌ها را، که معمولاً تحت عنوان "کد لیبر"<sup>۴۸</sup> شناخته می‌شود، به منظور رعایت آنها توسط ارتش آمریکا در طول جنگ داخلی این کشور (۱۸۶۵-۱۸۶۱) تهیه نمود. این کد متضمن قواعد مبسوطی راجع به کلیه موضوعات مربوط به جنگ همچون رفتار جنگی بطور خاص، رفتار با غیرنظامیان، رفتار با طبقاتی مانند اسرای جنگی، مجروحان، پزشک‌ها، پرستارها و کشیش‌ها بود. گرچه این کد می‌باید به عنوان یک سند صرفاً داخلی در جنگ داخلی آمریکا اجراء شود، اهمیت آن به عنوان یک مدل و منبع الهام برای تدوین حقوق و عرف جنگ و نقش عظیم آن بر تحولات بعدی حقوق بشردوستانه بسیار قابل توجه است.<sup>۴۹</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

45- Henry Dunant, A Memory of Solferino, 1862.

46- International Committee of the Red Cross.

47- Geneva Convention for the Amelioration of the Condition of the Wounded in Armies in the Field, 22 August 1864. The text of the Convention is reprinted in Schindler & Toman (eds.), Op.cit., note 4, at 203.

48- Instructions for the Government of Armies of the United States in the Field, Prepared by Francis Lieber [Lieber's Code], 24 April 1863. The text of the Code is reprinted in Schindler & Toman (eds.), Op.cit., note 4, at 1.

49- See Draper, G.I.A.D., "The Modern Pattern of War Criminality", in War Crimes in International Law (Y. Dinstein & M. Tabory eds.), The Hague, Martinus Nijhoff Publishers, 1996, at 146.

## ۴. منشاء و ماهیت

### ۴.۱. حقوق بشر

گرچه حقوق بشر بین‌المللی محصول تئوری‌های عصر روشنفکری است که بطور طبیعی در حقوق اساسی کشورهای اروپای غربی متجلی گردید<sup>۵۰</sup>، ولی، مبنا و خاستگاه آن کاملاً مشخص نمی‌باشد و نظریه‌های مختلفی به عنوان مبنای این حقوق مورد توجه قرار گرفته‌اند، از آن جمله است نظریه‌هایی که ریشه در مذاهب و حقوق الهی دارند؛ نظریاتی که مبتنی بر حقوق طبیعی می‌باشند؛ مکتب اثبات‌گرای اصالت نفع و جنبش‌های سوسیالیستی.<sup>۵۱</sup>

غالباً مکتب حقوق طبیعی، که موجب تحولات عمده‌ای در قوانین اساسی قرون هجده و نوزده میلادی اروپا در رابطه با حقوق و آزادیهای فردی شده است، به عنوان مبنای حقوق بشر شناخته می‌شود. به منظور تبیین اساس یک جامعه مبتنی بر عدالت، نظریه‌پردازان مکتب حقوق طبیعی نظریات خویش را بر تجزیه و تحلیل ماهیت انسانها و روابط آنها با یکدیگر بنا نهاده در مورد بهترین شیوه تضمین احترام متقابل و حمایت از بشر به نتایجی رسیده‌اند.

از حقوقدانان مکتب طبیعی کلاسیک، که آراء وی بیش از همه مورد استفاده قرار می‌گیرد، جان لاک است. وی دولت طبیعی را دولت صلح، برابری، حسن نیت، تعاون و صیانت می‌داند. به نظر لاک، حمایت از حقوق خصوصی افراد تضمین کننده حمایت از خیر مشترک است، زیرا افراد، از طرفی، حق دارند تا در مقام حفظ و حمایت از حقوق خود برآیند و، از طرف دیگر، تعهد دارند تا همین حق را در رابطه با دیگران محترم شمارند. لاک عقیده داشت که سرشت انسان پاک و متمایل به نیکی و عدالت است و دیدگاه توماس هابز را، که حالت "جنگ همگانی"<sup>۵۲</sup> را از ویژگی‌های زندگی در دولت طبیعی می‌پنداشت، مخالف با واقع می‌دانست. در دولت طبیعی لاک همه با هم برابر بوده هیچکس سلطه و ولایتی بر دیگری ندارد و از اختیار و قدرت بیشتری برخوردار نیست.<sup>۵۳</sup>

آزادی در مکتب لاک، به عنوان یک قاعده در زندگی اجتماعی، جایگاه ویژه‌ای دارد. به اعتقاد وی انسان آزاد به دنیا آمده است و از این حق که فعالیت‌های مادی و معنوی خویش را، با رعایت حدود حقوق و آزادیهای دیگران، گسترش داده از ثمره آنها بهره‌مند گردد برخوردار است و فایده‌نهایی جامعه نیز جز این نیست که در تأمین زمینه رشد آزادی مؤثر باشد. اما این آزادی را قانون طبیعت محدود می‌کند؛ قانون عقلی که، ضمن ممنوع ساختن فرد از صدمه زدن به زندگی، سلامت، آزادی و مالکیت دیگران، وی را پایبند پیمانهای خویش می‌سازد. بر طبق این قانون هر شخصی وظیفه دارد تا خویشتن را حفظ کند و در عین حال تا آنجا که می‌تواند در صیانت دیگران

50- Kolb, Op.cit., note 29.

51- Different human rights theories have been discussed by Shestack, J., "The Jurisprudence of Human Rights", in T. Meron (ed.), Human Rights in International Law, London, Oxford University Press, 1984, vol. 1, at 69.

52- "War of all against all" (bellum omnium contra omnes): Thomas Hobbes, From Wikipedia, the free encyclopedia- Website <http://en.wikipedia.org/wiki/>

۵۳ - دکتر ناصر کاتوزیان، فلسفه حقوق، تعریف و ماهیت حقوق، تهران، انتشارات بهنشر، چ ۲، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۳۸.

بکوشد. لاک مفهوم حق و تکلیف را در روابط اشخاص، به عنوان دو امر ملازم و متقابل، مورد شناسایی قرار داده و وظیفه حقوق را هماهنگ ساختن آزادیها، به عنوان یک حق فطری، می‌داند.<sup>۵۴</sup>

نظریه پردازان اثبات گرای حقوق بشر، بویژه جرمی بنتام و جان آستین، به هیچ نوع حقوق طبیعی احساس التزام نکرده اند. برداری خویش را از حقوق بشر به دلیلی مبتنی می‌سازند که به موجب آن همکاری و احترام متقابل مفیدترین سوره رفتاری هم برای فرد و هم برای جامعه است.<sup>۵۵</sup>

از عوامل مهم دیگر در شکل‌گیری و تحول حقوق بشر باید به وجود برخی سنت‌های فرهنگی و فعالیت مدافعان توسعه اجتماعی و اقتصادی اشاره نمود. این عوامل مؤثر، گرچه دارای خاستگاهها و نقاط آغازین مختلفی می‌باشند، همگی بر اهمیت تدارک شیوه و اتخاذ راه حلی تأکید دارند که در نتیجه آن حفظ حیات و زندگی انسانها و جلوگیری از استثمار و سوء استفاده اقتصادی و اجتماعی تضمین گردد.<sup>۵۶</sup>

ماهیت حقوق بشر مورد بررسی و مباحثات گسترده‌ای بوده در خصوص حقوقی بودن آن، بویژه اگر ذینفع نتواند بر اجرای آن در یک محکمه اصرار ورزد، تردیدهایی مطرح گردیده است. در این باره می‌توان گفت اگر ضمانت اجرا راه آنگونه که برخی از اندیشمندان قرن بیستم ادعا کرده‌اند،<sup>۵۷</sup> لازمه حقوق بدانیم و نه شرط تأثیرگذاری قواعد حقوقی، در این صورت می‌توان در ماهیت حقوقی حقوق بشر تردید روا داشت؛ زیرا نمی‌توان انکار کرد که حقوق اساسی و، از جمله، حقوق بشر از ضمانت اجرای لازم برخوردار نمی‌باشد. اما، واقعی بودن یک سیستم حقوقی به نظام ضمانت اجرائی آن بستگی ندارد و، به گفته پیکت،<sup>۵۸</sup> "اینکه گفته شود ضعف اجراء از ماهیت واجب‌الاجرائی حقوق می‌کاهد غلط است. حقوق لازم‌الاجراء نیست به دلیل اینکه دارای ضمانت اجراء است؛ آن ضمانت اجراء دارد زیرا که لازم‌الاجراء است."<sup>۵۹</sup>

از طرف دیگر، از آنجا که توسعه حقوق اقتصادی و اجتماعی از تئوری‌های مبتنی بر ساختار اجتماعی به حقوق صورت پذیرفته است، بسیاری از نظریه‌پردازان حقوقی، تردید حقوقی بودن را در رابطه با حقوق اقتصادی و اجتماعی با قطعیت بیشتری بیان کرده‌اند. بر طبق این دیدگاه، بین حقوق مدنی و سیاسی، از یک طرف، و حقوق اقتصادی و اجتماعی، از طرف دیگر، تفاوت‌هایی وجود دارد. مهم‌ترین تفاوت این است که حقوق مدنی و سیاسی مستلزم هیچ سطح خاصی از توسعه اقتصادی نمی‌باشد، حال آنکه در رابطه با حقوق اقتصادی و اجتماعی وضع به گونه‌ای دیگر بوده لازمه تحقق اغلب این حقوق وجود برخی منابع و اندیشه اقتصادی به منظور نیل به بهترین استاندارد زندگی اقتصادی می‌باشد. حقوق مدنی و سیاسی غالباً شامل آزادیهای فردی است و میثاق مربوطه نیز دولت‌های عضو را متعهد می‌سازد تا حقوق شناخته شده در میثاق را درباره کلیه افراد محترم شمرده و تضمین

۵۴ - همان، صص ۲۸، ۳۶۰ - ۳۶۱.

55- Shestack, Op.cit., note 50, at 79.

56- Doswald-Beck, L. & Vite, S., "International Humanitarian Law and Human Rights Law" , International Review of the Red Cross, Mar.- Apr. 1993, No. 293, at 102.

57- See Dixon, M., Textbook on International Law, London, Blackstone Press Limited, 2nd ed., 1993, at 4 - 5.

58- Pictet, J., Development and Principles of International Humanitarian Law, Dordrecht, M. Nijhoff & Geneva, Henry Dunant Institute, 1985, at 86.

کنند.<sup>۵۹</sup> اما در رابطه با حقوق اقتصادی و اجتماعی هر دولت عضو متعهد می‌باشد تا "مفرداً و از طریق کمک و همکاری بین‌المللی، بویژه اقتصادی و فنی، با حداکثر منابع موجود خود، به منظور نیل تدریجی به تحقق کامل حقوق شناخته شده در میثاق اقدام نماید."<sup>۶۰</sup> در نتیجه، گرچه نمی‌توان از نظر دور داشت که تضمین احترام به میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیز مستلزم ایجاد برخی ساختارهای دولتی است و، مثلاً، حق محاکمه عادلانه مشروط به وجود برخی زیر ساخت‌ها و یا آموزش حرفه‌ای می‌باشد، با این وجود، باید اذعان نمود تفسیری که از میثاق اقتصادی در شرایط خاص هر کشوری به عمل می‌آید اثر مستقیمی بر حقوق اقتصادی فردی دارد.

ظهور حق‌هایی، که معمولاً تحت عنوان حقوق "نسل سوم"<sup>۶۱</sup> مورد اشاره قرار می‌گیرند، تحول مهم دیگری است که در رابطه با ماهیت حقوق بشر قابل طرح می‌باشد. کشورهای جهان سوم رعایت واقعی حقوق اقتصادی و اجتماعی را مستلزم وجود منابع اقتصادی لازم و برخورداری از حق توسعه می‌دانند. حق برخورداری از آسایش و محیط مناسب از جمله حقوق دیگری است که در این طبقه‌بندی جای می‌گیرند. بدون تردید، این عوامل اثر مستقیمی بر کیفیت زندگی افراد بشر و حتی موجودیت آنها دارد. اما صاحبان نگاه حقوقی محض این حق‌ها را، به دلیل اینکه توسط دادگاهی قابل اجرا نبوده و، بعلاوه، تکالیف حقوقی متناظر آنها نامشخص می‌باشد جزء حقوق بشر طبقه‌بندی نمی‌نمایند. اینکه اینگونه دیدگاه‌های متفاوت در رابطه با حقوق اقتصادی و اجتماعی و حقوق نسل سوم موجب تفاسیر کاملاً متفاوتی از تعهدات ناشی از حقوق بشر، چه از نظر حدود این تعهدات و چه از جهت اصل وجود آنها، می‌شود غیرقابل انکار است.<sup>۶۲</sup>

وجود برخی تفاوتها بین میثاق حقوق مدنی و سیاسی و اسناد حقوق بشر منطقه‌ای، همچون کنوانسیون اروپایی و یا منشور آفریقایی، موجب گردیده است تا اخیراً تردیدهایی در رابطه با جهانی بودن حقوق مدنی و سیاسی مطرح گردد.<sup>۶۳</sup> اما صرفنظر از برخی تفاوت‌های ظاهری، وجوه تشابه مقررات این اسناد بسیار بیشتر بوده، روح حاکم بر آنها در حمایت از حقوق و آزادیهای اساسی افراد اساساً یکسان می‌باشد. بعلاوه، اینکه سازمان ملل به بررسی و تحقیق پیرامون برخی تخلفات از حقوق بشر، فارغ از اینکه کشور مربوطه عضو یکی از این معاهدات می‌باشد یا خیر، می‌پردازد دلالت بر عرفی بودن حقوق مربوطه دارد.<sup>۶۴</sup>

59- International Covenant on Civil and Political Rights, adopted by GA Res. 2200 (XXI) of 16 Dec. 1966, Art.2.

60- International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, adopted by GA Res. 2200 (XXI) of 16 Dec. 1966, Art.2.

61- Third Generation Rights. For a detailed discussion see C. Wellman, "Solidarity, the Individual and Human Rights", 22 Human Rights Quarterly 639 (2000); Ph. Alston, "A Third Generation of Solidarity Rights: Progressive Development or Obfuscation of International Human Rights Law?" 29 Neth. Int'l L. Rev. 307 (1982).

62- Doswald-Beck & Vite, Op.cit., at 104.

63- See, e.g., Patman, G. (ed.), A review of Universal Human Rights?, New York, St. Martin's Press; 2000; An - Naim, A.A., "Islam and Human Rights: Beyond the Universality Debate", available in Islam and Human Rights Website (Emory Univ.) [www.flwi.ugent.be/cie/CIE/an-naim1.htm](http://www.flwi.ugent.be/cie/CIE/an-naim1.htm)

64- Doswald-Beck & Vite, Op.cit., at 105.

## ۴. ۲. حقوق بشر دوستانه

گفته می‌شود که حقوق بشردوستانه نیز، همچون حقوق بشر، ریشه در حقوق طبیعی دارد. از آنجا که نظریه حقوق طبیعی دلالت بر وجود یک طرح و برنامه ازلی می‌نماید که آدمی از کشف آن ناتوان است، باید مفهوم نظم آرمانی را، که بتدریج در بستر زمان و تجربه تا حدی که ما را از آسیب‌ها رها کرده در ساختن دنیایی بهتر کمک کند مورد شناسایی قرار می‌گیرد، بر نظم کنونی ترجیح داد.<sup>۶۵</sup>

بطور قطع، همواره حقوق اثباتی متفاوت از حقوقی است که برای اکثر معاصران ما عادلانه بنظر می‌رسد. از آنجا که در رابطه با تفسیر منطقی و اخلاقی واقعیت‌های اجتماعی حقوق همیشه دنباله‌رو تحولات است، لذا به منظور اینکه آنچه را که از آن انتظار می‌رود بهتر تأمین نماید تمایل دارد تا خود را کامل کرده بهبود بخشد. در واقع خود این الزامات با عرف‌های زمان تحول پیدا می‌کنند، بطوریکه چیزی که دو قرن قبل طبیعی بوده است امروزه ممکن است از چنین ویژگی برخوردار نباشد.<sup>۶۶</sup>

انگیزه وضع و اعمال محدودیت‌های رفتاری در طول جنگ، در روزگاری که توسل به زور به عنوان یکی از ابزارهای مشروع اعمال سیاست ملی بود، از تصورات راجع به آنچه که شرافتمندانه تلقی می‌شود، بویژه، آنچه که در قرن نوزدهم تمدنانه محسوب می‌گردید، ناشی شده است. در کتب قدیمی متضمن مبنای حقوق بشردوستانه، ضرورت نظامی، انسانیت و جوانمردی به عنوان اصول اساسی این حقوق ذکر گردیده‌اند. گرچه اصل جوانمردی در روزگار کنونی جایگاه گذشته خود را به عنوان یکی از مبنای حقوق بشردوستانه از دست داده است، اما، شاید از جهت کمک به فهم منشاء و ماهیت این شاخه حقوقی واجد اهمیت باشد.<sup>۶۷</sup>

مبنای تشکیل دهنده حقوق بین‌الملل عرفی کد لیبر ۱۸۶۳<sup>۶۸</sup> می‌باشد که، در کنفرانس بروکسل ۱۸۷۴، اولین تلاش برای تدوین قواعد عرفی مندرج در آن صورت پذیرفت و گرچه کنفرانس موفق به تصویب معاهده‌ای نشد اما اعلامیه‌ای که به وسیله آن به تصویب رسید<sup>۶۹</sup> شباهت زیادی با مقررات ۱۸۹۹<sup>۷۰</sup> و ۱۹۰۷<sup>۷۱</sup> لاهه داشت. همانطور که گفته شد مبنای اصلی شکل‌گیری این مقررات، که بر تحولات بعدی حقوق بشردوستانه بسیار تأثیرگذار بودند، را نیز کد لیبر تشکیل می‌دهد.

در کدلیبر، مفاهیم بنیادین حقوق جنگ مبتنی بر وجود توازن بین ضرورت نظامی و ملاحظات بشردوستانه می‌باشد و اینکه باید بین الزامات مربوط به نیل به اهداف جنگی و اصول انسانیت نوعی سازگاری صورت پذیرد: ضرورت نظامی، که عبارت است از ضرورت اقداماتی که به منظور تضمین نیل به اهداف جنگی اجتناب‌ناپذیرند<sup>۷۲</sup>،

65- Pictet, Op.cit., note 14, at 16.

66- Ibid.

67- Doswald- Beck & Vite, Op.cit., note 55, at 95.

68- Lieber's Code, Op.cit. note 48.

69- For more details about the Conference and the Declaration adopted by it see Schindler & Toman (eds.), Op.cit., note 4, at 25.

70- Regulations Annex to the Hague Convention (II) with respect to the Laws and Customs of War on Land, 29 July 1899, reprinted in Schindler & Toman (eds.), Op.cit., note 4, at 57.

71- Regulations Annex to the Hague Convention (IV) Respecting the Laws and Customs of War on Land, 18 October 1907, reprinted in Schindler & Toman (eds.), Op.cit., note 4, at 57.

72- See Dinstein, Y., "Military Necessity", in Bernhardt (ed.), Op.cit., note 12, at 274 — 276.

ارتکاب قساوت و بیرحمی، یعنی اعمالی همچون تحمیل رنج و درد بی‌مورد، انتقام‌جویی، معلول یا مجروح ساختن جز در جنگ، اعمال شکنجه به منظور گرفتن اقرار و استفاده از سم را مجاز نمی‌شمرد. بر این اساس، باید بین نظامیان و غیرنظامیان تمایز صورت پذیرد، نسبت به اسرای جنگی با احترام رفتار شود، از ارتکاب هر گونه خشونت علیه اشخاص یا اموال در کشور مورد حمله اجتناب شود و بیمارستان‌ها از حمله مصون بمانند.<sup>۷۳</sup>

امروزه نیز مفاهیم بنیادین حقوق جنگ همچنان بر توازن بین ضرورت نظامی و ملاحظات انسانی مبتنی می‌باشند. از ویژگی‌های مهم حقوق بشردوستانه، که نافی ماهیت بشردوستانه بسیاری از قواعد و مقررات آن به نظر می‌رسد، این است که این حقوق در مقررات خویش اجازه اقداماتی را که برای نیل به اهداف نظامی ضروری می‌باشد، می‌دهد.<sup>۷۴</sup> شاید به این دلیل است که بسیاری از حقوق‌دانان و صاحب‌نظران هنوز ترجیح می‌دهند که در تالیفات خویش نام سنتی آن "حقوق جنگ" یا "حقوق راجع به مخاصمه مسلحانه"<sup>۷۵</sup> را به کار برند.

گرایش‌های متضاد بین ضرورت نظامی و ملاحظات بشر دوستانه در قواعدی انعکاس دارد که استفاده از زور را در جنگ محدود می‌سازند اما توسل به آن را آنگاه که مشروع باشد ممنوع نمی‌کنند. بنابراین، در عمل الزامات ناشی از ضرورت نظامی باید همواره مورد توجه ملاحظات انسانی قرار گیرد.<sup>۷۶</sup> شیوه‌ای که به آن طریق حقوق بشردوستانه ضرورت نظامی را در مقررات خود می‌گنجاند، در مقام مقایسه حمایت‌هایی که توسط این شاخه حقوقی و حقوق بشر بین‌المللی به عمل می‌آید، از اهمیت خاصی برخوردار است. بطور کلی، توازن بین ضرورت نظامی و ملاحظات انسان دوستانه به چهار روش ذیل قابل نیل می‌باشد:<sup>۷۷</sup>

اولاً، ارتکاب برخی اعمال، همچون وحشیگریهای آزارگرانه و یا غارت و چپاول، فاقد هر گونه ارزش نظامی هستند و، بنابراین، بطور کامل ممنوع می‌باشند.

ثانیاً، برخی اعمال، همچون استفاده از سم و یا گازهای سمی، ممکن است ارزش نظامی خاصی داشته باشند، اما تقدم ملاحظات بشردوستانه بر آنها مورد قبول واقع شده است.

ثالثاً، برخی قواعد مبتنی بر نوعی سازگاری واقعی بین ضرورت‌های نظامی و الزامات بشردوستانه بوده، امکان اعمال یا رعایت هر دو تا حدودی محدود می‌باشد. مثلاً، بر طبق قاعده تناسب در حملات، از طرفی، تحمیل صدمات و خسارات جنبی به غیرنظامیان مجاز شمرده شده است (محدودیت در رابطه با نیازهای بشردوستانه) و، از طرف دیگر، اگر این صدمات در رابطه با ارزش هدف نظامی بیش از حد باشد چنین حملاتی نباید به وقوع بپیوندند (محدودیت در رابطه با نیازهای نظامی).

رابعاً، برخی از مقررات تقدم الزامات نظامی را بر قاعده بشردوستانه‌ای که به طور معمول قابل اجراء می‌باشد در یک وضعیت خاص ممکن می‌شمارند. مثلاً، طرف‌های متخاصم باید "کلیه تدابیر ممکن" را برای جستجو و

73- Lieber's Code, Op.cit., note 48, Arts. 16, 22, 34- 35 & 115.

74- See, e.g., Art. 23, para. 4, and Art. 126, para. 2, of Convention III; Geneva Protocol I Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, 12 December 1977, Arts. 57 (5) . 62 (1) & 71 (3). The text of the Protocol is reprinted in I.L.M., 1977, vol. 16, at 1391 .

75- "The Law of War" or "The Law of Armed Conflict".

76- Gasser, Op.cit., note 19, at 17.

77- See Schwarzenberger, G., International Law as applied by International Courts and Tribunals: The Laws of Armed Conflict, London, Stevens, 1968, Vol. II, at 10 – 12.



جمع‌آوری زخمی‌ها و بیماران انجام دهند و "هر گاه اوضاع و احوال اجازه دهد" ترتیب متارکه یا آتش‌بس موقت به منظور انتقال آنان را بدهند.<sup>۷۸</sup>

## ۵. منابع

### ۱.۵. حقوق بشر

امروزه متون راجع به حقوق بشر طیف وسیعی از اسناد و معاهدات بین‌المللی و منطقه‌ای را شامل می‌باشند که مهمترین منابع بین‌المللی آنها عبارتند از: اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸، کنوانسیون راجع به جلوگیری و مجازات جرم نسل‌کشی ۱۹۴۸،<sup>۷۹</sup> میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶، کنوانسیون راجع به رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان ۱۹۸۱،<sup>۸۰</sup> کنوانسیون ضد شکنجه و رفتار یا مجازات ظالمانه دیگر، غیرانسانی، یا موهن ۱۹۸۴،<sup>۸۱</sup> و کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹.<sup>۸۲</sup>

### ۲.۵. حقوق بشر دوستانه

متون راجع به حقوق بشر دوستانه صرفاً در اسناد و معاهدات بین‌المللی جهان شمول انعکاس دارند که کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹، که کلیه کشورهای دنیا عضو آن بوده تعداد اعضای آن حتی بیشتر از اعضای منشور ملل متحد می‌باشد،<sup>۸۳</sup> و دو پروتکل الحاقی ژنو ۱۹۷۷<sup>۸۴</sup> مهم‌ترین آنها را تشکیل می‌دهد.

## ۶. وجوه اشتراک حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه

ویژگی اساسی مشترک حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه این است که انسان نقطه تمرکز توجه و دغدغه آنها می‌باشد. اما، علاوه بر این وصف مشترک، مقررات این دو رشته حقوقی متضمن اصول و مقررات حمایتی یکسانی است که در این صیحت به مهم‌ترین آنها می‌پردازیم. مقدّماتاً خاطر نشان می‌سازد که اجرای بدون تبعیض این

78- Convention 1, Art. 15 , paras. 1&2.

79- Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide , adopted by GA Res. 260A (III) of 9 Dec. 1948 , reprinted in Schindler & Toman (eds.) , Op.cit., note 4 , at 699.

80- Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women, adopted by GA Res. 34/180 of 18 Dec. 1979.

81- Convention against Torture and Other Cruel, Inhuman, or Degrading Treatment or Punishment, adopted by GA Res. 39/46 of 10 Dec. 1984.

82- Convention on the Rights of the Child , adopted by GA Res. 44 / 25 of 20 Nov. 1989.

۸۳- در حال حاضر تعداد کشورهای عضو کنوانسیونها ۱۹۲ کشور، منشور ملل متحد ۱۹۱ کشور، پروتکل اول ۱۶۳ کشور و پروتکل دوم ۱۵۹ کشور می‌باشد:

States party to the Geneva Conventions and their Additional Protocols - [www.ierc.Org/web/eng/siteengO.nsf/html/party-gc](http://www.ierc.Org/web/eng/siteengO.nsf/html/party-gc)

84- Protocol , Op.cit., note 70; Geneva Protocol II Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, 12 December 1977 , reprinted in ILM ,1977,vol.16,at 1442.

اصول و حمایت‌ها، همچنان که قاعده بنیادین حقوق بشر را تشکیل می‌دهد، از الزامات اجتناب‌ناپذیر حقوق بشردوستانه نیز می‌باشد.<sup>۸۵</sup>

**الف. حق حیات:** بدون تردید، حق حیات، که "از حقوق ذاتی شخص انسان است"<sup>۸۶</sup>، مهم‌ترین حق بشر به شمار می‌آید، زیرا بدون به رسمیت شناختن و احترام به آن تمامی حقوق فطری و طبیعی، مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی او موضوعاً منتفی می‌گردد و، در واقع، ترتب اقسام گوناگون حقوق تنها در صورت موجودیت و زنده بودن فرد قابل تصور است.

نظر به اینکه در مخاصمات مسلحانه زندگی در معرض مخاطره جدی می‌باشد، حقوق بشردوستانه مقررات زیادی را به موضوع حمایت از حق زندگی اختصاص داده است.<sup>۸۷</sup> بدیهی است این حمایت شامل قربانیان جنگ، یعنی کسانی که مستقیماً در اختیار دشمن می‌باشند، گردیده رزمندگان، مادام که در حال جنگ می‌باشند، از آن برخوردار نمی‌باشند. اما این حقوق حتی در رابطه با دسته اخیر نیز حمایت خویش را بطور کامل دریغ نداشته استفاده از سلاح‌هایی را که ماهیتاً موجب صدمه زیاد یا رنج و درد غیرضرور می‌گردند ممنوع می‌سازد<sup>۸۸</sup> و، بدینوسیله، بر آن است تا از تلفات زائد نظامیان هم جلوگیری به عمل می‌آورد.

قاعده عرفی مصون نگاه داشتن هر چه ممکن غیرنظامیان از آثار جنگ که، با پیدایش تکنولوژی نظامی جدید، به مخاطره افتاده بود در پرتو اصل تمایز یا ممنوعیت کاربرد سلاح‌های غیرهدفمند "indiscriminate weapons"، مقرر در پروتکل اول ۱۹۷۷<sup>۸۹</sup>، تا حدود زیادی تضمین گردید؛ ضمن آنکه محدودیت حمله به اهداف نظامی با قبول صدمات جنبی به غیرنظامیان، تنها مشروط به اصل تناسب<sup>۹۰</sup>، مورد تأیید مجدد واقع گردید.<sup>۹۱</sup>

حمایت حقوق بشردوستانه از حق زندگی از حق مدنی زندگی در مفهوم حقوق بشری آن فراتر رفته، گرسنگی دادن و، در نتیجه، نابود سازی وسایل بقاء آنها را، به عنوان یک شیوه جنگی، ممنوع می‌سازد<sup>۹۲</sup> و، با پیش‌بینی مناطق خاصی که دارای هیچگونه هدف نظامی نبوده و، در نتیجه، نمی‌توان مورد حمله قرار داد<sup>۹۳</sup>، شانس بقاء آنان را تقویت می‌نماید. جمع‌آوری مجروحین جنگی و انجام مراقبت‌های پزشکی لازم در مورد آنان، تبیین شرایط

85- See, e.g., Charter of the United Nations, Art. 1(3); Universal Declaration of Human Rights, Art. 7; International Covenant on Civil and Political Rights, Arts. 2(1) & 4 (1); Convention I, Art. 12; Convention III, Art. 16; Convention IV, Art. 27, para. 3; Protocol I, Art. 75.

86- Covenant on Civil and Political Rights, Art. 6.

87- See, e.g., Convention III, Art. 13; Convention IV, Art. 32; Protocol I, Art. 75 (2); Protocol II, Art. 4 (2) (a).

88- Protocol I, Art. 35 (2).

89- Ibid., Art. 48.

90- For more details see Delbruck, J., "Proportionality", in Bernhardt (ed.), Op.cit., note 12, at 396 - 400.

91- Protocol I, Art. 51 (5) (b).

92- Ibid., Art. 54.

93- Ibid., Arts. 59 - 60.

فیزیکی ممکن تا جایی که برای حفظ حیات در یک مخاصمه مسلحانه ضروری می‌باشد<sup>۹۴</sup> و الزامات مشابه از جمله تکالیف بشردوستانه دیگری است که ریشه در حق زندگی در مفهوم مدنی آن نداشته، از نقطه نظر حقوق بشر تحت عنوان حقوق اقتصادی و اجتماعی قابل طبقه‌بندی است.

حقوق بشردوستانه، همچون حقوق بشر، محدودیت‌هایی را در رابطه با مجازات اعدام، از جمله با ضروری ساختن رعایت یک تأخیر حداقل شش ماهه از زمان ابلاغ حکم قطعی به دولت حافظ منافع تا اجرای آن، مقرر می‌دارد و، با ممنوع ساختن مجازات اعدام برای اسرای کمتر از هجده سال و یا اجرای آن در رابطه با زنان حامله و یا مادرانی که دارای بچه‌های کوچکی می‌باشند<sup>۹۵</sup>، وجوه دیگری از حق زندگی را در این حقوق به تصویر می‌کشد. **ب. منع بردگی:** ممنوعیت برده‌داری و داد و ستد بردگان، که مورد اهتمام جدی حقوق بشر می‌باشد<sup>۹۶</sup>، در حقوق بشردوستانه از دیرباز استقرار یافته است. این ممنوعیت، که مبتنی بر حقوق عرفی بوده، در مواد مختلف کدلیبر انکاس دارد<sup>۹۷</sup>، در حال حاضر، علاوه بر پروتکل دوم ژنو ۱۹۷۷<sup>۹۸</sup>، در مواد مختلف کنوانسیونهای چهارگانه به شکلی مورد توجه قرار گرفته است.<sup>۹۹</sup>

**ج. منع شکنجه:** شکنجه یا مجازات یا رفتار ظالمانه یا برخلاف انسانیت و شئون بشری و یا موهن، که ممنوعیت آنها از جمله حقوق غیرقابل عدول در قلمرو حقوق بشر می‌باشد<sup>۱۰۰</sup>، در حقوق بشر دوستانه نیز بطور مطلق منع گردیده است<sup>۱۰۱</sup>؛ حقوقی که چگونگی رفتار انسانی با قربانیان جنگ بخش اعظم آن را تشکیل می‌دهد و، در نتیجه، هرگز نمی‌تواند نسبت به اقداماتی اینگونه بی‌تفاوت باشد.

**د. حمایت از کودکان و زندگی خانوادگی:** حمایت حقوق بشردوستانه از کودکان و زندگی خانوادگی از جهات مختلف شبیه به حمایت‌های مقرر در اسناد حقوق بشر می‌باشد. جداسازی کودکان از بزرگسالان در بازداشتگاهها، جز در صورتی که اعضای یک خانواده باشند؛ مراقبت جسمانی و آموزش کودکان؛ تربیت خاص در رابطه با کودکان یتیم یا جدا شده از خانواده و اطلاع‌رسانی لازم در مورد وضعیت و محل نگهداری آنان، از جمله از طریق نامه‌نگاری، تنها بخشی از این حمایت‌ها را تشکیل می‌دهد.<sup>۱۰۲</sup>

**ه. آزادی مذهبی:** حق آزادی مذهب از جمله وجوه مشترک دیگر حقوق بشر و حقوق بشردوستانه می‌باشد. بر طبق کنوانسیونهای ژنو، نه تنها مقامات مذهبی بازداشت یا اسیر شده از حمایت‌های ویژه برخوردارند، بلکه

94- See, e.g., Convention I, Art.15; Convention II, Art.18; Convention III, Arts. 29 – 30; Convention IV, Art. 91.

95- Convention IV, Arts. 68 & 75; Protocol I, Art. 76 (3).

96- Universal Declaration of Human Rights, Art.4; International Covenant on Civil and Political Rights, Art.8(1).

97- See, e.g., Lieber's Code, Op.cit., note 48, Arts. 23, 42- 43 & 58.

98- Protocol II, Art. 4(2) (f).

99- See, e.g., Convention I, Art. 12; Convention II, Art 12; Convention III, Arts. 13 – 14; Convention IV, Art. 27.

100- See International Covenant on Civil and Political Rights, Arts. 4(2) & 7; Convention against Torture, Op.cit., note 80.

101- See, e.g., common Art. 3 and Art. 12/12/17/32 of the Geneva Conventions, respectively.

102- See, e.g., Convention IV, Arts. 24 – 26.

کشته‌شدگان باید حتی‌المقدور بر طبق مراسم و شعائر دینی خویش مدفون گردند. بعلاوه، اسرای جنگی و یا غیرنظامیان بازداشت شده می‌توانند شعائر مذهبی خویش را بجای آورند.<sup>۱۰۳</sup>

**۵. تضمین‌های قضایی:** گرچه تدوین‌کنندگان کنوانسیونهای ژنو، در بستر تجربه و وقوف نسبت به اهمیت حیاتی کنترل و نظارت قضایی در جلوگیری از اعدام‌ها، مجازات‌های ظالمانه و رفتار غیرانسانی دیگر، نسبت به گنجاندن تضمینات قضایی گسترده در این اسناد اقدام نموده‌اند<sup>۱۰۴</sup>، اهمیت چنین اقدامی بعدها توجه نهادهای حقوق بشری را به خود جلب نموده موجب درج چنین تضمیناتی در اسناد و مقررات مربوطه گردیده است.<sup>۱۰۵</sup>

## ۷. تفاوت‌های حقوق بشر و حقوق بشردوستانه

علیرغم ویژگی‌های مشترک حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، تفاوت‌های آشکاری از جهات مختلف بین این دو شاخه حقوقی وجود دارد. در مباحث پیشین، تعریف؛ منشاء؛ خاستگاه؛ سیر تحول تاریخی و منابع متفاوت این دو رشته حقوقی مورد بررسی قرار گرفت. در این مبحث، به ابعاد و وجوه دیگری از این تفاوت‌ها، متناسب با گنجایش مقاله، می‌پردازیم.

**الف. قلمرو قواعد:** حقوق بشر با جنبه‌هایی از زندگی ارتباط دارد که تحت پوشش قواعد حقوق بشردوستانه نمی‌باشد و با معرفی یکسری حقوق سعی می‌نماید تا موضع فرد را در داخل کشور و جامعه بهبود بخشیده از وی در برابر رفتار خودسرانه حاکمیت حمایت به عمل آورد. این شاخه حقوقی بر آن است تا آزادی‌های افراد را توسعه داده، ضمن تشویق رشد و تضمین امنیت، امکان مشارکت هر چه فعال‌تر آنان را در تعیین سرنوشت خویش فراهم سازد. از جمله این حقوق آزادی مطبوعات، حق اجتماع، حق رأی دادن و حق اعتصاب می‌باشد<sup>۱۰۶</sup> که در حقوق بشردوستانه ناشناخته است.

متقابلاً، بسیاری از قواعد حقوق بشردوستانه در زمینه موضوعاتی است که خارج از قلمرو حقوق بشر می‌باشد، از قبیل رفتار عملیات جنگی؛ جمع‌آوری و مراقبت از مجروحین و مرضاء؛ وضعیت رزمندگان و اسرای جنگی؛ رفتار با اسیران و بازداشت‌شدگان غیرنظامی و حمایت از علائم هلال احمر و صلیب سرخ.<sup>۱۰۷</sup> تفاوت حقوقی اساسی دیگر این است که حقوق بشردوستانه، برخلاف حقوق بشر، به صورت یکسری از حقوق تدوین نگردیده است بلکه به صورت یکسری از وظایف بیان شده است که دول و رزمندگان متخاصم باید از آن پیروی نمایند. این

103- See International Covenant on Civil and Political Rights, Art. 18; Convention III, Arts. 34 & 120; Convention IV, Arts 93 & 130.

104- See, e.g., Convention III, Arts. 99 – 108.

105- See, e.g., International Covenant on Civil and Political Rights, Art. 14.

106- International Covenant on Civil and Political Rights, Arts. 19, 21, 22 & 25.

۱۰۷- تا قبل از تصویب پروتکل اول ژنو ۱۹۷۷، حقوق و وظایف متخاصمین در رفتار عملیاتی و محدودیت‌هایی که آنان در انتخاب شیوه‌های صدمه زدن به دشمن دارند به طور کلی تحت پوشش حقوق لاهه قرار داشت و کسانی که اصولاً در جنگ شرکت نداشته و یا اسلحه به زمین گذاشته و یا به هر علت دیگری قادر به جنگ نیستند عمدتاً تحت حمایت حقوق ژنو قرار داشتند. لذا پروتکل اول با در برداشتن مقرراتی از هر دو شاخه حقوقی به جدایی تاریخی آنان پایان داد:

Pictet, Op.cit., note 57, at 2.

ویژگی، از نقطه نظر تئوری حقوقی یک امتیاز قطعی تلقی می‌شود و آن اینکه حقوق بشردوستانه در معرض نوع استدلالی که اجرای حقوق اقتصادی و اجتماعی را مختل می‌سازد نمی‌باشد.

**ب. زمان و موقعیت اجراء:** گرچه قواعد و مقررات حقوق بشر در اصل منطبق با نیازها و الزامات زمان صلح طراحی شده‌اند، مع‌الوصف، بواسطه این واقعیت که انسانها به دلیل بشر بودن همواره از این حقوق برخوردارند، در هر زمانی، اعم از زمان صلح و وضعیت منحصامه مسلحانه، قابل اجراء می‌باشد و از آنجا که تحقق این حقوق، بویژه حقوق اجتماعی<sup>۱۰۸</sup>، مستلزم یک برنامه مبتنی بر سیاست‌گذاری می‌باشد که باید توسط دولت و اتباع آن عملی گردد، این امر گذشت زمان و روندی تدریجی را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. این در حالی است که حقوق بشردوستانه صرفاً برای حکومت بر روابط خاصی تدوین گردیده است که در جنگ‌های بین کشورها "مخاصات مسلحانه بین‌المللی"<sup>۱۰۹</sup> و یا بین گروه‌های درگیر در داخل یک کشور و یا بین این گروه‌ها و دولت "مخاصات مسلحانه غیربین‌المللی"<sup>۱۱۰</sup> وجود دارد.

**ج. امکان تخلف و عدول:** اینکه حقوق بین‌الملل بشر در اصل برای شرایط زمان صلح طراحی شده است، در این واقعیت نهفته است که برخی از این اسناد به دولت‌ها اجازه می‌دهند تا از بسیاری از مقررات آنها در زمان جنگ و دیگر وضعیت‌های اضطراری عمومی تهدید کننده حیات ملت عدول کنند؛ هر چند این عدول‌ها باید متناسب با بحران پیش رو بوده نباید تبعیض‌آمیز و یا مغایر با قواعد دیگر حقوق بین‌الملل، از جمله قواعد حقوق بشردوستانه، باشد.<sup>۱۱۱</sup> بعلاوه، فقط تعداد معدودی از حقوق خدشه‌نا پذیر "hard-core rights"، همچون حق زندگی، ممنوعیت شکنجه و رفتار یا مجازات ظالمانه، غیرانسانی یا ترضیلی؛ ممنوعیت بردگی و بندگی و ممنوعیت قوانین جزایی معطوف به ماسبق، وجود دارند که به موجب این اسناد و معاهدات هیچ عدولی از آنها، حتی در شرایط استثنایی، وجود ندارد.<sup>۱۱۲</sup> اما از آنجا که مقررات بشردوستانه با یک وضعیت استثنایی - منحصامه مسلحانه - سروکار دارند، هیچ تخلفی از مقررات آنها، از هر نوع که باشد، مجاز نمی‌باشد<sup>۱۱۳</sup> و اصولاً مقررات این حقوق صرفاً به منظور اجراء در چنین وضعیت‌هایی بوجود آمده‌اند.

**د. تابعان دو حقوق:** حقوق بشر قواعدی را مقرر می‌دارد که بر حکومت‌ها در روابطشان با افراد الزامی است. گرچه دیدگاه‌های فزاینده‌ای وجود دارد که بر طبق آنها از عوامل غیردولتی - بویژه اگر وظایفی شبیه به

۱۰۸- حقوق اجتماعی از جمله انواع حقوق می‌باشد که افراد به اعتبار زندگی جمعی، و در ارتباط مستقیم با جامعه و دولت، کسب می‌کنند. دکتر طباطبایی مؤتمنی در تعریف عامی که از این حقوق به عمل می‌آورد آن را شامل حقوق اقتصادی و حقوق اجتماعی به معنای خاص می‌داند که رعایت آنها در جامعه سبب رفع مظالم اقتصادی و تبهیضات اجتماعی نسبت به افراد می‌گردد؛ دکتر منوچهر طباطبائی مؤتمنی، آزادیهای عمومی و حقوق بشر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چ ۲، ۱۳۷۵، ص ۱۲۹.

109- International Armed Conflicts.

110- Non- International Armed Conflicts. For a detailed discussion of the different types of armed conflicts see Schindler, D., "The Different Types of Armed Conflicts According to the Geneva Conventions and Protocols", RCADI, 1979, vol. 163- II, at 117- 164.

111- See, e.g., International Covenant on Civil and Political Rights, Art. 4 (1).

112- Ibid., Art. 4 (2). For a detailed discussion see Oraa', J., Human Rights in States of Emergency in International Law, Oxford, Clarendon Press, 1992.

۱۱۳- اسناد حقوق بشردوستانه متضمن هیچ مقرزهای در خصوص امکان تخلف و یا انحراف از مقررات آنها، آنگونه که در اسناد حقوق بشر پیش‌بینی شده است، نمی‌باشند. امکان تخلف مقرر در ماده ۵ کنوانسیون چهارم ژنو متفاوت از موضوع بحث می‌باشد.

وظایف دولت اعمال نمایند - انتظار رعایت معیارهای حقوق بشر می‌رود<sup>۱۱۴</sup>، اما این هنوز در حدّ یک ایده می‌باشد و حقوق بشر در درجه نخست با مسئولیت دولت‌ها سروکار داشته محدودیت‌هایی را بر اختیار آنها در رابطه با کلیه کسانی که تابع اقتدار آن می‌باشند مقرر می‌دارد.

متقابلاً، حقوق بشردوستانه بر کلیه عواملی که در یک مخاصمه مسلحانه درگیرند الزامی است. در مخاصمات بین‌المللی، مقررات آن باید توسط دولت‌های درگیر رعایت شود<sup>۱۱۵</sup>، در حالی که در مخاصمات داخلی، علاوه بر دولت، بر گروه‌های مسلحی که علیه آن می‌جنگند و یا گروه‌های مسلحی که با هم درگیرند لازم‌الرعایه است.<sup>۱۱۶</sup> بنابراین، حقوق بشردوستانه قواعدی را مقرر می‌دارد که هم در مورد دولت و هم عوامل غیردولتی قابل اجراء می‌باشد. ضمناً، در حالی که افراد وظایف خاصی بر طبق معاهدات حقوق بشر ندارند، حقوق بشردوستانه تعهداتی را بر افراد تحمیل می‌نماید.<sup>۱۱۷</sup>

۵. **افراد تحت حمایت.** هدف حقوق بشر حمایت از کلیه افرادی است که تابع اقتدار یک دولت می‌باشند و، در نتیجه، در مورد همه آنها اجراء می‌گردد. اما هدف حقوق بشردوستانه حمایت از کسانی است که اصولاً در جنگ حضور ندارند و یا بواسطه عواملی همچون بیماری، جراحت و یا اسارت، دیگر قادر به جنگ نمی‌باشند.<sup>۱۱۸</sup> همچنین، این حقوق نه تنها بین رزمندگان و غیررزمندگان و بین اهداف نظامی و غیرنظامی قائل به تفکیک می‌باشد، بلکه هر نوع حمله به اهداف نظامی را نیز که از قاعده تناسب تجاوز و موجب صدمه بیش از حد ضرورت به افراد و اهداف غیرنظامی گردد ممنوع می‌سازد.<sup>۱۱۹</sup>

و. **سیستم اجراء:** از جمله تفاوت‌های اساسی دو شاخه حقوقی در زمینه سیستم کنترل و نظارت و ساز و کارهای اجرایی می‌باشد. گرچه وظیفه اجرای هر دو حقوق در درجه نخست متوجه دولت‌هاست<sup>۱۲۰</sup> اما در رابطه با نحوه اجرای آنها در سطح ملی تفاوت‌هایی وجود دارد و، مثلاً، اشاعه حقوق بشردوستانه و یا آموزش افراد واجد شرایط و یا نصب مشاوران حقوقی تنها به موجب اسناد بشردوستانه مقرر گردیده است.<sup>۱۲۱</sup> روش‌های اجراء در سطح بین‌المللی و سازمانی که این امر بر عهده آنها محول گردیده است از تفاوت بنیادین دیگر این دو شاخه حقوقی در این خصوص حکایت دارد. مثلاً، سیستم نظارتی دولت حافظ منافع "protecting power" و یا وظایف متنوع کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، که در اسناد حقوق بشردوستانه پیش‌بینی گردیده است<sup>۱۲۲</sup>، کاملاً متفاوت از شیوه‌های نظارتی مقرر در منشور سازمان ملل متحد و یا معاهدات اصلی راجع به حقوق بشر، که مبتنی بر بررسی

114- International Humanitarian Law and International Human Rights Law: Similarities and differences- [www.icrc.org/Web/Eng/siteeng.0.nsf/htmlall/57JR8L/\\$FILE/IHL-and-IHRL.pdf](http://www.icrc.org/Web/Eng/siteeng.0.nsf/htmlall/57JR8L/$FILE/IHL-and-IHRL.pdf), at 1.

115- Arts. 1, 2 & 4 common to the Geneva Conventions; Art. I of Protocol I.

116- Art.3 common to the Geneva Conventions; Art. 1 of Protocol II.

117- International Humanitarian Law and International Human Rights Law, Op.cit., note 114, at 2.

118- See ibid.

119- Protocol I, Arts. 4B, 51 & 57.

120- Art. 1 common to The Geneva Conventions; Art. 1 (1) of Protocol I; International Covenant on Civil and Political Rights, Art. 2.

121- Art. 47/ 48/127/144 of the Geneva Conventions; Arts. 6, 82 & 83 of Protocol I.

122- Art. 8/8/8/9 and Art. 9/9/9/10 common to the Geneva Conventions.

گزارشات تسلیمی توسط کشورها و یا شکوائیه‌های کشورهای و افراد<sup>۱۲۲</sup> و منطبق بر نیازها و مقتضیات زمان صلح است، می‌باشد. مضافاً اینکه، روش‌های اجرایی منطقه‌ای<sup>۱۲۳</sup> مختص حقوق بشر می‌باشد.

بطور کلی می‌توان گفت، تدابیر تضمینی مقرر در اسناد حقوق بشر دوستانه، که در شرایط و اوضاع و احوال استثنایی اجراء می‌شود، و مقررات مبسوط آن در رابطه با قربانیان جنگ، خیلی بیشتر، سریع‌تر، و به مراتب انسانی‌تر و مؤثرتر از روش‌های مبتنی بر شکایت اسناد مربوط به حقوق بشر می‌باشد.

### ۸. تأثیر متقابل حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه

گرچه توسعه جداگانه این دو شعبه حقوق بین‌الملل همواره از تأثیر متقابل آنها تا حدود زیادی کاسته است، اما تحولات بعد از جنگ دوم جهانی برقراری ارتباط نزدیکتر و گرایش به وحدت بین این دو قلمرو حقوقی را قابل تصور می‌سازد.

در حالی که اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ موضوع احترام به حقوق بشر را در مخاصمات مسلحانه بطور کامل مسکوت می‌گذارد<sup>۱۲۴</sup> و حتی کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۴۹ تصمیم می‌گیرد تا حقوق جنگ را از موضوعات موردنظر برای تدوین خارج سازد، با این استدلال که اگر کمیسیون در آغاز کار خویش مطالعه در خصوص حقوق جنگ را در دستور کار خود قرار دهد ممکن است افکار عمومی این اقدام را نشانه عدم اعتماد به مؤثر بودن شیوه‌ای که به منظور تضمین صلح در اختیار سازمان ملل متحد می‌باشد تفسیر نمایند<sup>۱۲۵</sup>، همزمان، در تهیه پیش‌نویس کنوانسیونهای ژنو ۱۹۴۹ اشاراتی به حقوق بشر صورت می‌پذیرد.<sup>۱۲۶</sup> به این ترتیب، حقوق بشر بین‌المللی برای اولین بار در کنار آنچه که تا آن زمان هنوز حقوق جنگ نامیده می‌شد قرار می‌گیرد و از این لحظه است که رابطه متقابل آنها در حقوق بین‌الملل قابل بررسی است.

ماده ۳ مشترک کنوانسیونهای چهارگانه ژنو، با فاصله گرفتن از روش سنتی حقوق بشر دوستانه، که خود را منحصرأ محدود به مخاصمات بین کشورها می‌ساخت<sup>۱۲۸</sup>، رابطه بین یک دولت و اتباعش را نیز در مواردی تحت شمول حقوق بشر دوستانه قرار داد. این ماده متضمن یک سری قواعد اساسی است که رعایت آنها، در جنگ‌های

123- See Robertson, A.H., "The Implementation System: International Measures", in *The International Bill of Rights: The Covenant on Civil and Political Rights*, edited by L. Henkin, New York, Columbia University Press, 1981, at 333-369.

۱۲۴- همچون دادگاههای حقوق بشر منطقه ای و کمیسیون‌هایی که به موجب معاهدات اصلی حقوق بشر منطقه‌ای در اروپا، آمریکا و آفریقا ایجاد گردیده‌اند.

125- See Schindler, D., "The International Committee of the Red Cross and Human Rights", *International Review of the Red Cross*, Jan.- Feb. 1979, No 208, at 3.

126- *Year book of International Law Commission*, 1949, at 281.

127- Schindler, *Op.cit.*, note 125, at 7. See also Lossier, J. G., "The Red Cross and the International [sic] Declaration of Human Rights", *International Review of the Red Cross*, May 1949, No. 5, at 184 - 189.

۱۲۸- رگ: ممتاز، جمشید و رنجبریان، امیر حسین، حقوق بین‌الملل بشر دوستانه مخاصمات مسلحانه داخلی، (برای) کمیته ملی بشر دوستانه، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶، ص ۲۶.

غیربین‌المللی، توسط دولت‌های عضو در مواجهه با گروه‌های مسلح در قلمرو خود الزامی است. بدون شک چنین مقرره‌ای، که برای اولین بار در اسناد حقوق بشردوستانه راه می‌یابد، در اصل مربوط به قلمرو حقوق بشر می‌باشد. نقطه عطف نزدیکی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه به کنفرانس بین‌المللی ۱۹۶۸ تهران در خصوص حقوق بشر بر می‌گردد که در آن، کنفرانس طی قطعنامه‌ای، ضمن تأکید بر اینکه "صلح شرط بنیادین رعایت کامل حقوق بشر می‌باشد و جنگ نفی آنهاست"<sup>۱۲۹</sup>، بر ارتباط تنگاتنگ این دو رشته حقوقی تأکید می‌ورزد. این قطعنامه توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب می‌رسد و، به این ترتیب، اجرای حقوق بشر در مخاصمات مسلحانه برای اولین بار مورد توجه سازمان ملل متحد قرار می‌گیرد؛ با این بیان که "حتی در طول مدت مخاصمه مسلحانه باید اصول حقوق بشر حاکم باشد."<sup>۱۳۰</sup>

حقوق بشربین‌المللی جریان متفاوتی را طی نمود و در حالی که در ابتدا فقط از جنبه داخلی برخوردار بوده بیان واقعی آنها در حقوق اساسی برخی کشورهای غربی یافت می‌شد، به تدریج، دارای اهمیت بین‌المللی گردید و، بعد از جنگ دوم جهانی، به عنوان واکنشی در مقابل فجایع این جنگ بخشی از حقوق بین‌الملل عمومی گردید. وضع اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌ها و کنوانسیونهای بین‌المللی متعدد دیگر و توسل سازمان ملل متحد و دیگر سازمانهای بین‌المللی و یا منطقی‌ای به حقوق بشر منعکس کننده این واقعیت است.

پروتکل‌های ژنو ۱۹۷۷، الحاقی به کنوانسیونهای چهارگانه ژنو ۱۹۴۹، با درج قواعدی که در حکم حقوق بشر سلب ناشدنی محسوب می‌گردند، نیز وحدت بین قواعد حقوق بشردوستانه و برخی از قواعد حقوق بشر را مشخص‌تر ساخت. ماده ۷۵ پروتکل اول، تحت عنوان "تضمین‌های اساسی"، و مواد ۴ و ۵ پروتکل دوم، به ترتیب، تحت عنوان "تضمین‌های اساسی" و "افرادی که آزادی‌شان محدود شده است"، حاکی از پیشرفت‌های بیشتر در خصوص تضمین احترام به حقوق بشر و رفتار با افرادی است که از یک مخاصمه بین‌المللی و یا غیر بین‌المللی متأثر می‌گردند.

روند آرام نزدیکی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه و تأثیر متقابل تدریجی آنها ادامه یافت و ایده‌ها و مفاهیمی، بطور فزاینده، در متون مربوط به حقوق بشر مطرح گردید که از مصادیق حقوق بشردوستانه می‌باشند و بالعکس. کنوانسیون راجع به حقوق کودک ۱۹۸۹<sup>۱۳۱</sup> و پروتکل اختیاری سال ۲۰۰۰ آن در خصوص درگیری کودکان در مخاصمات مسلحانه<sup>۱۳۲</sup>، اعلامیه اسلامی حقوق بشر ۱۹۹۰<sup>۱۳۳</sup> و اساسنامه رم راجع به دیوان کیفری بین‌المللی ۱۹۹۸<sup>۱۳۴</sup> از جمله معاهدات و اسنادی می‌باشد که مقرراتی از هر دو مجموعه حقوقی را در خود جا داده‌اند.

129- Human Rights in Armed Conflicts, Op.cit., note 4.

130- Declaration on Respect for Human Rights in Armed Conflicts, adopted by GA Res. 2444 (XX III) of 19 Dec. 1968.

131- Op.cit., note 81.

132- Optional Protocol to the Convention on the Rights of Child on the involvement of children in armed conflicts, adopted by GA Res. 54/263 of 25 May 2000.

133- Islamic Declaration of Human Rights. The Declaration has been published by the UN under reference No. A/ CONF. 157/ PC/ 35.

134- Rome Statute of the International Criminal Court, adopted by United Nations Diplomatic Conference of Plenipotentiaries on the Establishment of an International Criminal Court (Rome, Italy, 15 June – 17 July 1998), reprinted in ILM, 1998, vol.37, at 999.



نمود متقابل حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در قطعنامه‌های متعدد مجمع عمومی و شورای امنیت نیز پدیدار گردیده است. مثلاً، در قطعنامه‌های شورای امنیت در رابطه با تجاوز عراق به کویت و یا مداخلات در یوگسلاوی سابق و، بویژه، در بوسنی و هرزگوین ارجاع به حقوق بشردوستانه نمود آشکاری داشته هم نقض‌های مربوط به حقوق بشر و هم حقوق بشردوستانه مورد تقبیح شورا واقع گردیده است.<sup>۱۳۵</sup>

به همین ترتیب، گرایش به وحدت بین این دو رشته حقوقی در رویه اخیر سازمانهای بین‌المللی غیردولتی که با مداخلات داخلی سروکار دارند انعکاس دارد. نمونه‌های زیادی وجود دارد که سازمانهایی همچون کمیسیون بین‌المللی حقوقدانان، دیده‌بان حقوق بشر و یا سازمان عفو بین‌الملل در گزارشات ارائه شده در رابطه با نقض حقوق بشر در وضعیت‌های مداخلاتی هم به حقوق بشر و هم به حقوق بشردوستانه متوسل گردیده‌اند<sup>۱۳۶</sup> و این بدان معناست که نقض مقررات حقوق بشر در یک مداخله مسلحانه غیر بین‌المللی اغلب، بطور همزمان، نقض جدی مقررات مندرج در ماده ۳ مشترک و پروتکل دوم ژنو، که مکمل این ماده است، می‌باشد.

## ۹. نتیجه

تردیدی وجود ندارد که حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در گذشته ارتباطی با هم نداشته‌اند و تنها از پایان جنگ دوم جهانی به بعد است که، در پرتو تحولات مستمر، ویژگی‌های مشترک آنها به تدریج آشکار می‌گردد. حداقل دو دسته دلیل برای استقلال تقریباً کامل این دو رشته حقوقی، تا این مقطع زمانی، قابل ارائه می‌باشد: دسته نخست از دلایل به منشاء و سیر تحول تاریخی کاملاً متفاوت این دو شعبه حقوقی بر می‌گردد. حقوق جنگ ریشه در دوران باستان دارد و عمدتاً در طول جنگ‌های بین کشورهای اروپایی تحول یافته از قرون وسطی تثبیت گردیده است. این رشته، به عنوان یکی از قدیمی‌ترین قلمروهای حقوق بین‌الملل عمومی، جایگاه ویژه‌ای را در آثار مربوطه نویسندگان کلاسیک به خود اختصاص داده است. این در حالی است که حقوق بشر محصول تئوری‌های دوران روشنفکری بوده ابتدا در حقوق اساسی کشورها مطرح می‌شود و تنها بعد از جنگ دوم جهانی است که دارای ماهیت بین‌المللی می‌گردد.

تفاوت نهادهای بانی یا حامی این دو رشته و نوع نگاه و رویکرد آنها به رشته دیگر مبین دسته دوم از دلایل می‌باشد. واقعیت این است که سازمان ملل و نهادهای وابسته به آن، کلیه مباحث و موضوعات مربوط به حقوق جنگ را از قلمرو وظایف و حوزه فعالیت‌های خویش خارج ساختند. ضمن آنکه، تضاد بین کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و سازمان ملل، که احتمالاً عمدتاً ناشی از تصمیم کمیته به حفظ استقلال خویش بوده است، تصمیمی که با توجه به ماهیت سیاسی سازمان ملل قابل دفاع به نظر می‌رسد، استقلال دو رشته حقوقی مورد بحث را استمرار بخشید. متقابلاً، حقوق بشر نیز، که در حوزه فعالیت سازمان ملل و نهادهایی بود که بطور خاص به منظور ارتقاء و توسعه این حقوق ایجاد شده بودند، از توجه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به دور ماند. مروری بر اقدامات مقدماتی

135- See, e.g., SC Res. 670 of 25 Sept. 1990; SC Res. 780 of 6 Oct. 1992, reprinted in ILM, 1992, vol.31, at 1476.

136- See Weissbrodt, D. & Hicks, P. L., "Implementation of human rights and humanitarian Law in situations of armed conflict", International Review of the Red Cross, Mar. - Apr. 1993, No, 293, at 122 - 126.

منجر به وضع اسناد اصلی این دو شاخه حقوقی که، بطور همزمان، در اواخر دهه ۱۹۴۰ صورت پذیرفت، مؤید این ادعاست.

اما با ماده ۳ مشترک کنوانسیونهای چهارگانه ژنو ۱۹۴۹، قابل اجراء در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی، زمینه نزدیکی دو حقوق فراهم گردیده رابطه یک دولت با اتباعش نیز در مواردی تحت شمول حقوق بشردوستانه قرار گرفت. کنفرانس بین‌المللی ۱۹۶۸ تهران، با الزامی ساختن رعایت حقوق بشر در طول مخاصمات مسلحانه، گرایش به وحدت دو حقوق را وارد مرحله جدیدی ساخت و این روند با تصویب پروتکل دوم ژنو ۱۹۷۷، الحاقی به کنوانسیونهای چهارگانه، و بعدها با شکل‌گیری معاهدات و اسنادی که متضمن مقرراتی از هر دو مجموعه می‌باشند، وجوه مشترک بسیار زیاد آنها را هر چه بیشتر متجلی ساخت.

گرچه امکان عدول از بسیاری از مقررات حقوق بشر در حالت‌های اضطراری و، در نتیجه، کامل نبودن تضمینات این حقوق، وجه تفاوت مهم آن با حقوق بشردوستانه می‌باشد، اما به نظر می‌رسد که حقوق بشردوستانه نیز با شروط محدودیت موجود در معاهدات حقوق بشر چندان بیگانه نیست؛ لزوم توازن بین ضرورت نظامی و نیازهای بشردوستانه کماکان مبنای حقوق بشردوستانه را تشکیل می‌دهد و این بدان معناست که امکان تقدم ضرورت‌های نظامی بر الزامات بشردوستانه قابل اجراء در شرایط متعارف وجود دارد. بدون شک، هر مقرره‌ای که کشتن غیرنظامیان را در پوشش ضرورت نظامی مجاز شمرد مورد انتقاد مدافعان حقوق بشر می‌باشد؛ بویژه از جهت اینکه آیا حمله موردنظر موجب تلفات جتنی بیش از حد می‌شود و، در نتیجه، نباید بوقوع بپیوندد، به تشخیص فرمانده نظامی مربوطه محول گردیده است.

از جهت خطرات سیاسی کردن و یا اعمال تفاسیر گوناگون، حقوق بشردوستانه از حساسیت و آسیب‌پذیری کمتری در مقایسه با حقوق بشر برخوردار می‌باشد و قواعد آن، در راستای حمایت از انسان در وضعیت‌های مخاصماتی مسلحانه، از وضوح بسیار زیادی برخوردار می‌باشند. متقابلاً، حقوق بشر نیز با اصطلاحات قابل فهم و قوه محرکه خاص خویش می‌تواند در موارد مخاصمه و یا درگیری داخلی، از طریق اعمال فشار به کشور مربوطه، به کمک حقوق بشردوستانه بشتابد.

اینکه آیا نفوذ و تأثیر متقابل این دو شاخه حقوقی حاکی از آن است که شکاف موجود بین آنها در حال از بین رفتن بوده این دو قلمرو در هم ادغام خواهند گردید حائز اهمیت زیاد می‌باشد. اما، فارغ از اینکه چنین روندی به سود وحدت پیش خواهد رفت یا نه، آنچه مهم‌تر به نظر می‌رسد این است که چگونه تشابهات روزافزون، و یا حتی تفاوت‌ها، حقوق بنیادین فرد را در وضعیت‌های مخاصماتی بهبود بخشند.

## Human Rights and Humanitarian Law

✎ Masoud ALBORZI

Human Rights, as a body of rights and freedoms, comprises those cases of every individual's inherent entitlement that he/she enjoys, merely by virtue of being human, and that is applicable at all times, whether peace or war. Humanitarian Law, as an emergency law applicable in armed conflicts, encompasses the rules and regulations created for the purpose of solving the humanitarian problems arising from such situations and which, by limiting the right of the parties to a conflict to use methods and means of injuring the enemy, is intended to protect the victims of war, the military personnel placed *hors de combat* as well as persons essentially not taking part in hostilities. These two branches of law differ from each other in several aspects: apart from different origins of formulation and sources, their historical evolution and development has taken place totally separate from each other. Nevertheless, in many respects such as protection of man and his/her right to life, respect for human integrity, right to physical and spiritual integrity, right to enjoy some judicial guarantees when faced with criminal proceedings, right to be treated humanly in case of deprivation of freedom or apprehension and, finally, indiscriminate application of these rights and protections they coincide. In addition, treaties and instruments adopted in recent decades contain regulations of both bodies of law.

**KEY WORDS:** human rights, humanitarian law, comparison of two laws, mutual influence of two laws

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی